

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تجزیه و ترکیب آیات ۳۱ الی ۳۹ سوره مبارکه معارج

• **فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۳۱)**

۱. نوع فاء در "فمن ابتغی"

▪ فصیحه عاطفه؛ تقدیر: هذه حدود الله فمن ابتغی...

۲. بررسی لغوی "وراء" و ترکیب آن

▪ از فعل وَرِيَ، يَرِي، وَرِيّاً به معنای پنهان کردن است و وراء، اسم ذات است به معنای پس یا پیش (که با معنای ریشه اش بی ربط است) و غالباً اسم زمان است و قلیلاً اسم مکان هم استعمال می شود و در اینجا اسم مکان به معنایندتت پس است و متعلق است به فعل عامّ مقدر و صفت است برای موصوف محذوف: «امراً» و نمی توان آن را در اینجا مفعول به گرفت زیرا از ظروف غیر متصرف است

• **وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۳۲)**

۳. بررسی "لأماناتهم راعون"

▪ ماده رعی دارای دو معناست:

۱. حفظ و مراقبت؛ رعیتُ الشيء: این فعل متعدی بنفسه است و "راعون" در آیه ما نحن

فیه نیز از همین قبیل است و لام در "لأماناتهم" لام تقویت است بر سر مفعول به "راعون"

۲. به معنای رجوع کردن؛ ارعوي عن القبیح أي رجع من القبیح

• **وَ الَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ (۳۳) وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يَحْفَظُونَ (۳۴)**

۴. بررسی "بشهاداتهم قائمون"

▪ قام به، يقوم، قیاماً: باء برای تعدیه است.

• **أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ (۳۵)**

۵. نقش جمله "أولئك في جنات مكرمون"

▪ استینافیه

• **فَمَا لِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَك مُهْطِعِينَ (۳۶)**

۶. ترکیب "فمال الذین کفروا قبلک معطعین"

- فاء: احتمال دارد که فصیحه و جواب شرط مقدر باشد؛ تقدیر: أمّا الکافرون فما للذین کفروا....
- ما: استفهام انکاری و تعجّبی؛ تقدیر استفهام: أيّ توجیه للذین کفروا؛ ما: مبتدا للذین: خبر

▪ قبل: به سه معنی در کلام عرب می آید:

۱. طاقت؛ مانند: فَلَمَّا تَبَيَّنَتْهُمْ جُئِدُوا لَا قَبْلَ لَهُمْ بِهَا
 ۲. نزد؛ مانند آیه ما نحن فیه؛ در این صورت حال از ضمیر در "معطعین" است. و معطعین به معنای به شتاب گردان کشیدن است.
 ۳. طرف؛ مانند آیه ما نحن فیه: در این صورت می تواند متعلّق به "معطعین" باشد.
- معطعین: حال از "الذین"

• عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ عَزِينَ (۳۷)

۷. بررسی لغوی و صرفی و اعلالی و ترکیبی "عزین"

- جمع عَزَاة و عَزَاة در اصل عَزَوُ بوده به معنای جماعتی که با هم نسبت و تقرب دارند از فعل عَزَاه الیه، یَعَزُو عَزَوًا: یعنی او را منسب نمود به آن؛ عزین: حال دوّم است برای "الذین" عن الیمین: حال است از "عزین" و متعلّق است به فعل عامّ مقدر

• أَيْطَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ (۳۸)

۸. نقش "أیطع"

- استینافیه

۹. معنای استفهام در "أیطع"

- علامه انکاری گرفته اند ولی به نظر تعجّبی با آیه سازگارتر است.

۱۰. بررسی لغوی "إمرء"

- "مرء" در اصل ریشه اش به معنای صفا و سهولت و نیکویی در اکل طعام است و به رجل از این باب "مرأ" می گویند که آن مرد دارای صفا و نیکویی باشد. "مرأة" نیز که مؤنث آن است دارای بار مثبت معنایی است که برای "مرأ" گفته شد. به مَرِيء، از این جهت که طعام با سهولت از آن گذر کرده و به معده می رسد "مریء" گفته می شود و به غذای گوارا نیز "مریء" گفته می شود.

۱۱. نقش "منهم"

▪ صفت براي "إمرء"

۱۲. تركيب "جَنَّة"

▪ مفعول به دوّم

• كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ (۳۹)

۱۳. معنای "كَلَّا"

▪ ردع جز است نسبت به طمع کفار کأنّ آنها آنقدر خود را قوي مي دانند که مي توانند در مقابل

قضاي الهي بایستند نه اینگونه نیست زیرا ما آنها را از نطفه ناچیز آفریدیم پس چه قدرتي

دارند؟!

۱۴. نقش جمله "إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ"

▪ جمله تعلیلیه براي ردع